

## مقاله پژوهشی

# تأثیر عوامل مکانی بر توسعه گردشگری روستایی

## (مطالعه موردی روستاهای سرزمین لرستان)\*

ضیا حسین زاده<sup>(\*)</sup>، بابک عبدی<sup>(\*\*)</sup>، میمنت پورسه<sup>(\*)</sup>

۱. دانشجوی دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

**چکیده** | گردشگری مولد به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه، امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی روستاها را رشد می دهد و با بهره گیری از پتانسیل های بی شمار خود، به توسعه پایدار نواحی روستایی کمک مؤثری می کند. با این حال، در برنامه ها و طرح های توسعه روستایی، غالباً یا به مقوله گردشگری توجه نشده و یا در صورت توجه، صرفاً با هدف افزایش تعداد گردشگر، بدون در نظر گرفتن ملاحظات مکانی، تاریخی، اجتماعی و ویژگی های سرزمینی روستاها بوده است. این امر سبب شده است که طرح های توسعه موجود نه تنها در افزایش تعداد گردشگر در مناطق روستایی توفیق چندانی به دست نیاورند، بلکه آسیب های جدی نیز به منظر طبیعی و بافت اجتماعی-تاریخی روستاها وارد شود. این پژوهش بر آن است تا با رویکردی معرفت شناسانه، گردشگری روستایی و ابعاد توسعه آن را مورد بررسی قرار دهد. چگونه می توان با تکیه بر رویکرد مکان محور، در جهت ارتقای پتانسیل گردشگری روستاها، بهره برداری بهینه از فرصت های موجود و توسعه پایدار گردشگری روستایی گام برداشت؟ روش تحقیق مورد استفاده، عمدتاً اکتشافی و در بخش هایی کتابخانه ای است. نتایج نشان می دهد استفاده از رویکرد کل نگر و یکپارچه به توسعه گردشگری، با توجه به ویژگی های مکانی هر روستا، می تواند آسیب های ناشی از بخشی نگری و جزء گرایی را کاهش دهد. همچنین، رویکرد معرفت شناسانه به گردشگری می تواند به تقویت گردشگری روستایی کمک کند، نه از طریق مداخلات کالبدی صرف، بلکه با استفاده از ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی و هویتی هر روستا. راهبردهای عملیاتی شامل حفظ نشانه های اکولوژیکی و طبیعی، باززنده سازی کیفیت های مکانی، به روزرسانی شیوه های امرار معاش و ایجاد شبکه های همکاری محلی، به بهبود توسعه گردشگری و تقویت ظرفیت های مکانی روستا کمک می کند.

**واژگان کلیدی** | توسعه روستایی، منظر روستایی، گردشگری مکان محور، فرهنگ.

و زندگی روزمره روستاییان است (هاتفی شجاع و همکاران، ۱۳۹۵). در فرایند برنامه ریزی و توسعه نواحی روستایی، سنجش و تحلیل تفاوت های مکانی در ابعاد مختلف توسعه روستایی اهمیت زیادی داشته و برنامه ریزان را در تهیه طرح های هماهنگ و یکپارچه توسعه یاری می رساند. توجه به تفاوت های ناحیه ای و مکانی در توسعه روستایی لازم است، زیرا بدون در نظر گرفتن این تفاوت ها، دستاوردهای حاصل از رشد اقتصادی و سرمایه گذاری های اجتماعی به خطر خواهد

**مقدمه** | آنچه یک فضا را به یک مکان ارتقاء می دهد، آمیخته شدن آن با معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش و ژرفا پیدا می کند (Relph, 1976). هویت روستاها برآمده از موقعیت های روستا، بازنمودهای رسمی

\* این مقاله حاصل طرح پژوهشی «توسعه مکان محور؛ خوانش منظر روستایی در منطقه کوهدشت» است که زیر نظر دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۲ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.  
\*\* نویسنده مسئول: 09125571342@shz.hosseynzadeh@gmail.com

و نهایتاً از دست دادن فرصت‌های بی‌شمار توسعه شناختی و معرفتی شده است. به‌منظور آسیب‌شناسی و بررسی دقیق‌تر این مسئله، منظر سرزمینی لرستان با بازدید میدانی از چند روستای این استان، توسط نگارندگان، با رویکردی اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در ادامه ارائه شده است.

### سؤال پژوهش

چگونه می‌توان با تکیه بر رویکرد مکان‌محور، در جهت ارتقای پتانسیل گردشگری روستاها، بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های موجود و توسعه پایدار گردشگری روستایی گام برداشت؟

### مبانی نظری

#### • روستا به‌مثابه مکان

مناظر روستایی به‌عنوان مناظری هم‌زمان طبیعی و فرهنگی شناخته می‌شوند که اجتماعی‌شدن طبیعت را به‌واسطه تصرف گروهی، فرهنگی و قومی به نمایش می‌گذارند. منظر روستا حاصل ساماندهی محیط و عناصر طبیعی براساس باورها، معانی و ارزش‌های مشترک ساکنان است. در روستا عناصر و اجزای طبیعی، ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی هستند که در قالب انگاره‌های فرهنگی و با سازوکاری مشخص، انتقال مفاهیم و معانی و ارائه منظر روستایی را به‌عنوان یک موجودیت واحد و کل نمادین میسر می‌سازند (ابرقویی‌فرد و صابونچی، ۱۳۹۹). روستا یا به تعبیر شولتز «آبادی»، صحنه رخداد سکونت طبیعی انسان در راستای هویت‌یافتن و به مکانی احساس تعلق داشتن است. انسان از طریق «آبادی‌گزیدن» موقعیت خویش را در محیط طبیعی تثبیت کرده و با تکیه بر آن، به مبادله اندیشه‌ها، احساسات و فرآورده‌های مصنوع با هم‌نوعان خود می‌پردازد. این تصویر پدیدارشناسانه هدف از آبادی‌گزیدن را گردآوری جهان پیرامون در یک مرکز می‌داند تا انسان را به سکونت دعوت کند. بنابراین احساس رسیدن به آبادی و قرار یافتن در آن، نه به‌عنوان مکانی متفاوت، بلکه جایی که کیفیت یک مکان یا محیط به‌صورت بومی در آن به توضیح درآمده است، اهمیت می‌یابد. به تعبیری دیگر روستا مکانی است که در آن زمین و آسمان به‌واسطه معماری برای آفرینش کلیتی پرجذبه، در یکدیگر نفوذ کرده باشند. در این صورت، روستا قادر است در نقش یک هدف ظاهر شود، و متناسب با دورنما، بر پیکره پیرامونش چیره شود. این همان کیفیتی است که امکان خوانده‌شدن روستا تحت عنوان مکان را فراهم می‌سازد (سامه، ۱۳۸۸).

#### • جایگاه مکان در طرح‌های توسعه روستایی

ارزایی تجربه رویکرد محض عینی به توسعه از عدم موفقیت برنامه‌های آن در تأمین رضایت انسان و جامعه حکایت می‌کند. بارزترین نمونه آن برنامه‌های توسعه شهری و روستایی است

افتاد (رضوانی، ۱۳۸۳). مکان حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک محیط به دست می‌آید. مکان در این صورت ریشه‌دار تجربه می‌شود و لایه‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی را در برمی‌گیرد. در این میان مفهوم مکان می‌تواند منجر به احیا و نگهداری مکان‌های موجود شود؛ به بیان دیگر غالب تحقیقات اخیر نشان می‌دهد بدون فهم جامع از مکان، نمی‌توانیم دلایل ویژه‌بودن بعضی از محیط‌های زندگی‌مان، را توضیح دهیم (بندرآباد، ۱۳۹۶). لذا، بدیهی است روستاها که در طی سالیان دراز، بستر رویدادها و تحولات اجتماعی، فرهنگی و طبیعی بسیاری بوده‌اند از این بحث مستثنی نبوده و تنها در صورت شناخت ظرفیت‌های مکانی آن‌هاست که می‌توان در راستای توسعه پایدار آن‌ها گام برداشت.

سفر به‌عنوان یک رفتار فرهنگی و اجتماعی در قالب صنعت گردشگری، فعالیتی خدماتی قلمداد می‌شود که آن را یکی از عوامل توسعه کشورها به‌ویژه حوزه اقتصادی می‌دانند. کسب درآمدهای بالا از گردشگری، قوه توسعه این صنعت را قدرت بخشد. از این‌رو اکثر مطالعات حوزه گردشگری به بررسی ابعاد اقتصادی و آثار ناشی از توسعه این صنعت محدود می‌شود. این امر اگرچه مفید است اما جوانب اصلی گردشگری را لحاظ نمی‌کند و سبب مغفول ماندن ماهیت اصلی گردشگری شده است (شهرابی‌فراهانی، ۱۴۰۱). گردشگری که از جابه‌جایی در جغرافیا حاصل شده، مولد نظامی از معنا و معرفت است که در بستر فرهنگ رخ می‌دهد و بخشی از آن است. فرهنگ به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در گردشگری، هم به آن رونق و معنا می‌دهد و هم از آن امکان فهمیده‌شدن می‌گیرد (منصوری، ۱۳۹۹). در واقع، گردشگری به معنای صحیح آن باید به‌دنبال مواجهه با فرهنگ‌ها و شناخت آن‌ها باشد. مواجهه با فرهنگ یعنی به‌دست آوردن شناختی حقیقی از کجا بودن یک مکان و کیستی اهالی‌اش. نیت گردشگری، نوعی آشنایی است که به خودشناسی فرهنگی منجر می‌شود. چنین آشنایی تنها زمانی میسر می‌شود که تماشای آثار تاریخی و فرهنگی در گردشگری تنها به قصد افزایش معلومات و رفع کنجکاوی‌های تاریخی نباشد (بهشتی، ۱۳۹۹).

با این حال، در حال حاضر در بسیاری از روستاها، به‌دلیل غفلت طرح‌های توسعه از ذات و حقیقت زندگی روستایی، قابلیت‌های موجود، نادیده‌گرفتن توانمندی‌های محلی و فقدان استراتژی‌های مناسب، بخش‌های مختلف مثل معماری، فرهنگ، اقتصاد، هویت و محیط‌زیست روستاها نه‌تنها توسعه نیافته است، بلکه با آسیب‌های جدی مواجه شده‌اند. این امر موجب شده، سیاست‌های در ظاهر توسعه‌محور مسئولان، خود به مانعی در مسیر توسعه گردشگری روستایی تبدیل شود. این مسئله منجر به تضعیف هویت مکانی، کاهش جذابیت‌های گردشگری، ایجاد فشار بر منابع طبیعی، تخریب محیط‌زیست

(منصوری، ۱۳۹۳). در گردشگری فرهنگی، اساس توجه بر شناخت تاریخی و علمی محصولات فرهنگی انسان و تجزیه و تحلیل آن‌ها حول سؤال اساسی «چگونه چنین شد؟» است. در این مسیر به تشریح ویژگی‌های صورت آثار فرهنگی جوامع و سؤالاتی از این جنس پرداخته می‌شود: این محصول چه معنا می‌دهد؟ چه خصوصیتی دارد و تحت اثر کدام مؤلفه‌ها به این شکل درآمده است؟ پس از شناخت «چیستی» محصول فرهنگی و صورت مظاهر تمدن انسانی، پرسش از «چرایی» به وجود آمدن و هستی‌شناسی آن مطرح می‌شود: چرا این پدیده به وجود آمده؟ هستی او چه ابعاد و مراتبی دارد؟

از کی آغاز شده، به کدام سو می‌رود و در کجا پایان می‌گیرد؟ گردشگری فرهنگ از هستی موضوع گردشگری پرسش می‌کند و از این طریق درصدد هستی‌شناسی ملت‌ها برمی‌آید. این روند برای گردشگر امکان درک نسبت میان جهان‌بینی ملت‌ها با عاقبت آن‌ها را فراهم می‌کند (منصوری، ۱۳۹۹). چنان‌چه از بررسی مبانی نظری برمی‌آید، روستا به‌واسطه این‌که در طول تاریخ میزبان گروهی جمعیتی از ساکنین و بستر وقایع گوناگونی بوده که از تعامل اهالی با بستر طبیعی روستا رخ داده است، دارای صفات بارز مکانی است و هم‌چون کتابی ارزشمند و پربار است که گردشگران می‌توانند به اندازه ظرفیت و توان خود، آن را قرائت کنند تا تجربه، معرفت و شناخت خود را عمق و غنا بخشند و به فهمی شایسته از جوهره آن‌چه در روستا رخ می‌دهد، دست یابند. درحالی‌که در رویکرد چیستی‌شناسانه به گردشگری، صرفاً سعی در ایجاد هیجان برای گردشگر با ارائه اطلاعات کمی، عددی و فرار درباره مکان‌های تاریخی است، در رویکرد هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه، گردشگری به‌عنوان یک ابزار جهت درک و توسعه فهم از محیط و تاریخ فرهنگی انسان مطرح می‌شود.

بنابراین، طرح‌های توسعه کنونی با رویکرد صرفاً کمی و عینی، که بدون هیچ درکی از مفاهیم نوین توسعه، چون مکان و منظر تهیه شده‌اند، نمی‌توانند ناظر بر این وجه مهم از توسعه گردشگری روستایی باشد و بخش مهمی از ظرفیت‌های توسعه روستایی هدر رفته است.

### پیشینه تحقیق

حیبی کوشکوهی و همکاران در پژوهشی به تبیین نقش گردشگری در توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که بین گردشگری و کارآفرینی روستایی رابطه مستقیم وجود دارد. آن‌ها اهمیت گردشگری در روند افزایش اشتغال و رشد کارآفرینی را پررنگ می‌دانند و بیان می‌کنند که افزایش توان گردشگری روستایی باعث رونق کسب‌وکار، افزایش فرصت‌های کارآفرینی و رشد اشتغال

که اگرچه در ارتقای برخی شاخص‌های عینی موفق بوده‌اند، اما در تأمین رضایت ساکنان توفیق چندانی نداشته‌اند. تحقیقات زیادی بر اهمیت وجه ذهنی در حس مطلوبیت و رضایت انسان تأکید دارد. تغییر در فهم مقوله‌های مهم زندگی انسان نمی‌تواند بی‌توجه به دگرگونی مفاهیم توسعه باشد. مکان و منظر از مهم‌ترین دستاوردهای فهم جدید انسان است. بنابراین، در رویکردهای جدید به توسعه لازم است با توجه به تعریف‌های نو از موضوعات توسعه، دگرگونی‌های اساسی در برنامه‌ریزی به وجود آید (منصوری، ۱۴۰۲).

### • جایگاه گردشگری در بهبود توسعه روستایی

امروزه گردشگری روستایی به جریان مستمری بدل شده که می‌تواند انسان را از جریان پراشتهاب شهر خودساخته خویش دور کرده و برای زمانی کوتاه میل ذاتی وی را در اتصال به طبیعت اغنا کند. گردشگری روستایی قادر است انسان را به طبیعت مطلوبش متصل کرده و به‌عنوان صنعتی سبز، نقش ویژه‌ای در توسعه پایدار محیط‌های روستایی ایفا کند. گردشگری روستایی هم‌چنین، با خوانش و تعمیق در فرایندهای منظر روستایی، به انتقال و گسترش تجربیات ادراکی ساکنین روستا به گردشگران، کمک می‌کند (همتی، ۱۳۹۹). موضوع گردشگری روستایی به‌مثابه یک تجربه خودآگاه در محیط ناخودآگاه روستا با ماهیتی ویژه است که حاکی از شیوه‌ای تازه در مواجهه با یک محیط روستایی است. آن‌چه مورد تأکید و اهمیت بوده طرح پرسشی خودآگاه از آموزه‌های محیطی ناخودآگاه است که می‌تواند پاسخی مناسب در تناظر با مسائل امروز قلمداد شود. در نتیجه تجربه مذکور تا حدود زیادی به درک شایسته از جوهره هر آن‌چه در روستا رخ می‌دهد و فهم بن‌مایه‌های تشکیل‌دهنده آن وابسته است (سامه و سامه، ۱۳۹۳).

### • تفاوت دو نگاه هستی‌شناسانه و چیستی‌شناسانه در گردشگری

در رویکرد چیستی‌شناسانه، گردشگری، به معنی راهنمایی است که در میان فضاهای یک مجموعه تاریخی به گروه گردشگران توضیحاتی درباره شهرت بنا می‌دهد. در این رویکرد آثار تاریخی اشیائی برای نازیدن و اعجاب مخاطبانند و بنا نیست چراغ راه آینده باشند. در نتیجه گردشگری از این نوع، به تفرجی بدل می‌شود که برهم‌زننده عادات روزمره است و انتظار معرفت از آن به حداقل می‌گراید. این نوع گردشگری به گشت‌وگذار و خوش‌گذرانی نزدیک‌تر است تا سیاحت و عبرت. اولی حالت روحی موقت انسان را نشانه می‌گیرد و دومی معرفت و فهم پایدار او را. در گردشگری نوع دوم، که معرفت‌گراست، نشاط ناشی از سفر و تغییر حالت متعارف نیز نهفته است، اما هدف آن توسعه بینش و ارتقاء فهم گردشگر در مواجهه با تجربه پیشینیان یا طبیعت است

### معرفی منطقه مورد مطالعه

نمونه مورد بررسی در این پژوهش، تعدادی از روستاهای سرزمین لرستان، واقع در شهرستان کوهدشت را شامل می‌شوند (تصویر ۳). شهرستان کوهدشت یکی از شهرستان‌های استان لرستان و از جمله مناطق دیدنی و زیبا در غرب ایران است. از جمله روستاهای اطراف کوهدشت می‌توان به روستاهای سرخ‌دم، پای‌آستان، خسرو آباد و درب‌گنبد اشاره کرد.

این شهرستان و روستاهای آن؛ به دلیل ویژگی‌های طبیعی خود، از جمله کوهستانی بودن، رودخانه‌های پرآب، آبشارهای فراوان، جنگل‌های سرسبز، مناظر زیبا و هوای مطبوع و جاذبه‌های گردشگری بسیاری دارد. همچنین آثار باستانی متعدد، آرامگاه‌ها و معابد قدیمی، فرهنگ محلی متمایز، سنت‌های متنوع، مردمان مهمان‌نواز و غذاهای محلی به جذابیت‌های این منطقه می‌افزاید و تجربه‌ای متفاوت و یکتا از سفر به این مناطق روستایی را فراهم می‌کند.

### • ظهور و بروز فعالیت‌ها و نحوه امرارمعاش روستاییان

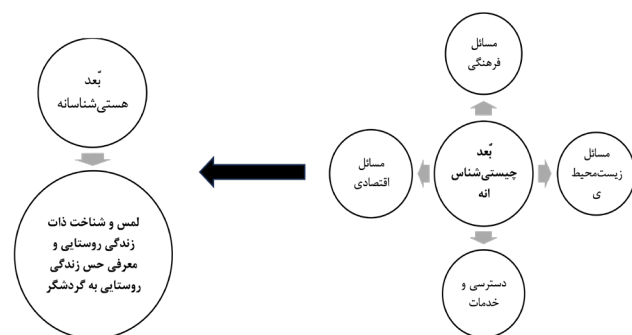
یکی از جاذبه‌های زندگی روستایی برای گردشگران که علاوه بر سرگرم کردن آن‌ها، موجبات شناخت عمیق‌تر آن‌ها از زندگی روستایی را فراهم می‌آورد، مشاهده جنب‌وجوش و زندگی دام و طیور ساکنین روستا است که به صورت تاریخی بخشی جدانشدنی از زندگی آن‌ها بوده است. به دلیل وابستگی تنگاتنگ زندگی اهالی روستا به دام و احشام، غالباً در فضایی کنار خانه خود آن‌ها را نگاه‌داری می‌کرده‌اند که باعث شده به مرور زمان حضور این حیوانات جزئی از منظر و جاذبه این روستاها شوند. با این وجود، به دلیل، تصور غلط توسعه‌دهندگان مرکز نشین که درکی از ذات و ویژگی‌های مکانی متفاوت روستا با شهر ندارند، سیاست‌های توسعه روستایی در جهت مشابه‌سازی آن‌ها با شهر تدوین شده است. این امر موجب شده جهت تعریض و استانداردسازی معابر روستایی برای عبور ماشین، خانه‌های روستایی ملزم به عقب‌نشینی و دیوارکشی منظم شوند. لذا در چنین بافتی دیگر جایی برای نگاه‌داری دام و طیور در کنار فضای مسکونی و ظهور و بروز آن‌ها در

در مناطق روستایی می‌شود (حبیبی کوشکوهی و همکاران، ۱۳۹۸). باباخانی و سامه در پژوهش خود با هدف دستیابی به راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت محیط روستایی، بهبود سیما و منظر روستایی و گردشگری روستا، به این نتیجه رسیده‌اند که تقویت مشاغل مرتبط با حوزه گردشگری، بهبود وضعیت پاکیزگی محیط، ارتقاء شرایط دسترسی‌های داخل روستا، استفاده بیش‌تر از مصالح بومی، سنتی و عناصر هویتی می‌تواند موجب بهتر شدن وضعیت منظر روستایی و جذب گردشگر شود (باباخانی و سامه، ۱۴۰۱).

لیو و همکاران با توجه به رونق گرفتن گردشگری روستایی در چین در چند سال اخیر، به مطالعه نقش دولت‌های چینی در سطح مرکزی و محلی را در توسعه گردشگری روستایی پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از آن است که دولت مرکزی در هدایت گردشگری روستایی به سمت مسیرهای مطلوب و دولت محلی در مدیریت مستقیم فعالیت‌های گردشگری و هماهنگی با کسب‌وکارها و ساکنان برای ارائه خدمات و حل مشکلات، نقش راهبری را ایفا می‌کند. در واقع تعامل و هم‌افزایی دولت‌های مرکزی و محلی در چین، توسعه سریع گردشگری روستایی را تحریک کرده است (Liu et al., 2020). زیلنسکی و همکاران نیز در تحقیقی با هدف یافتن علل تفاوت در موفقیت و عدم موفقیت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در گردشگری روستایی، به این نتیجه رسیده‌اند که این بافت سیاسی-اقتصادی و نحوه اجرای سیاست‌ها است که باعث این تفاوت شده، نه خود معیارهای موجود، چرا که گاهی این معیارها کمی‌برداری از هم هستند (Zielinski et al., 2020). چنان‌چه از بررسی تحقیقات پیشین برمی‌آید، غالباً با نگاهی چپ‌سنتی‌شناسانه درصدد یافتن علل قوت و ضعف و یا راهکارهای ارتقاء گردشگری روستایی بوده‌اند. در این میان، جایگاه و نقش رویکرد هستی‌شناسانه به مقوله گردشگری روستایی مغفول مانده است (تصویر ۱). لذا این پژوهش قصد دارد تا از دریچه معرفت‌شناسانه و با روشی اکتشافی به بررسی گردشگری روستایی بپردازد.

### روش تحقیق

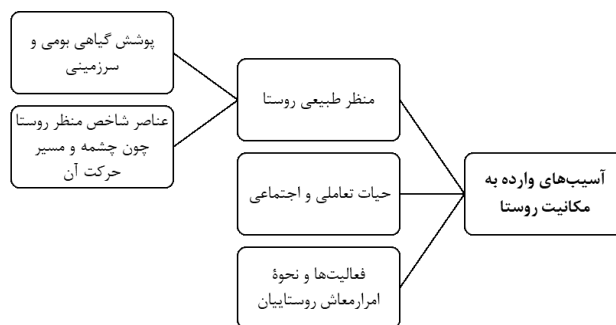
چنان‌چه ذکر شد، به دلیل ماهیت این پژوهش، که براساس مشاهده میدانی و سفر به سرزمین لرستان توسط نگارندگان بوده، روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق عمدتاً اکتشافی و در بخش‌هایی کتابخانه‌ای بوده است. لذا در ادامه جهت آسیب‌شناسی گردشگری روستایی در تعدادی از روستاهای استان لرستان، مشاهدات نگارندگان به صورت مستند ارائه و مورد تحلیل قرار گرفته است. این مشاهدات در دو بخش ظرفیت‌ها و آسیب‌های وارده به منظر طبیعی و زندگی اجتماعی روستاهای سرزمین لرستان به عنوان دو رکن مهم از مکانیت روستاها ارائه شده‌اند (تصویر ۲).



تصویر ۱. مغفول ماندن نقش بُعد هستی‌شناسانه در ادبیات توسعه گردشگری روستایی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. موقعیت جغرافیایی شهرستان کوهدشت در استان لرستان. مأخذ: [https://rypitech.com/product/svg\\_lorestan/](https://rypitech.com/product/svg_lorestan/)



تصویر ۲. محورهای مورد بررسی در آسیب‌شناسی توسعه گردشگری روستایی مکان‌محور سرزمین لرستان. مأخذ: نگارندگان.

نه صرفاً تماشای ترین‌ها و زیبایی‌های خارق‌العاده موجود در یک روستا. تعریف‌های معمول از گردشگری با نگاهی نادرست، درصدد کشف و ارائه زیبایی و جذابیت‌های آبجکتیو در روستاهای هدف گردشگری هستند تا از این طریق صرفاً تعداد گردشگران را افزایش دهند، نه شناخت و معرفت آن‌ها از زندگی جاری در مکان.

از جمله مواردی که نقش بسیار مهمی در پویایی زندگی روستایی دارد و همواره برای گردشگران جاذبه فراوانی دارد، زندگی، فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی اهالی روستا در مسیرها، میدان‌ها و کوچه‌های روستا است، چرا که گردشگر با تماشای زندگی آرام و روابط ساده روستاییان، نه تنها سرگرم و مسحور می‌شود، بلکه فرصتی طلایی برای آشنایی با فرهنگ، آداب و رسوم، گویش و بسیاری دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی و رفتاری ساکنین آن روستا به دست می‌آورد. لذا چنان‌که گفته شد، برای تشویق گردشگر به دیدن روستا نیازی به یافتن آب‌وهوای خارق‌العاده در هر روستا نیست، بلکه کافی است زندگی

منظر روستایی وجود نخواهد داشت. در بررسی میدانی روستاهای کوهدشت استان لرستان به وضوح می‌توان مشاهده کرد که در روستاهایی که تاکنون از چنگ طرح‌های هادی در امان بوده‌اند، این بخش مهم از منظر روستا هنوز قابل لمس و مشاهده است (تصویر ۴). در حالی که در روستاهایی که طرح‌های توسعه در آن‌ها به مرحله اجرا رسیده است، دیگر زندگی و جنب و جوش حیوانات محلی، به‌عنوان بخشی مهم از منظر روستا، که نشان‌دهنده پیشه و روش امرارمعاش اهالی است، قابل مشاهده نیست. این مسئله فرصت بی نظیری جهت تجربه و لمس ذات زندگی روستایی و در نتیجه افزایش شناخت را از گردشگر صلب می‌کند (تصویر ۵).

#### • زندگی اجتماعی و تعامل جاری در بستر روستا

برای آسیب‌شناسی زندگی اجتماعی در منظر یک روستا از دید هستی‌شناسانه، ابتدا می‌بایست به درک درستی از مکانیت آن روستا دست یافت. هدف از گردشگری فرهنگ، شناسایی و معرفی ظرفیت‌های نهفته در دل زندگی ساده روستایی و تشویق مخاطب به کشف و زیبا دیدن هر آنچه هست باشد،



تصویر ۴. نگهداری احشام در کنار منازل روستایی در روستاهایی که بافت ارگانیک هنوز تا حدودی از طرح‌های توسعه در امان مانده‌اند. روستای سرخ‌دم. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۲.

استان لرستان به وضوح نشان می‌دهد که روستاهایی که کم‌تر دستخوش تغییرات مربوط به طرح‌های هادی و توسعه روستایی شده‌اند، به مراتب از زندگی اجتماعی پویاتر و شاداب‌تری در بستر مکانی خود برخوردارند. برای مثال در بخش‌هایی از روستای خسروآباد که هنوز از دست‌اندازی‌های طرح‌های توسعه در امان مانده است، می‌توان بازی کودکان، گفت‌وگو و تعامل بزرگ‌ترها و حضور افراد مسن را مشاهده کرد (تصویر ۶). اما در سوی مقابل، در بخش‌هایی که مداخلات طرح‌های توسعه حداکثری بوده و بافت روستا دستخوش تغییرات جدی شده، زندگی اجتماعی جاری در مسیرها، کوچه‌ها و میدان‌های روستا تقریباً به کلی از بین رفته است، چرا که در این طرح‌ها هیچ توجهی به ویژگی‌های مکانی این روستاها، پاتوق‌های جمعی و رفتار اجتماعی ساکنین آن‌ها نشده است (تصویر ۷).

#### • منظر طبیعی روستا

گیاهان بومی و چشمه‌ها، به‌عنوان ارکان اصلی منظر طبیعی روستا، نقشی اساسی در تشکیل مکانیت روستا بازی می‌کنند و در ارائه شناختی عمیق از هویت و ویژگی‌های محلی، نقش مهمی دارند. گیاهان بومی و چشمه‌ها در هر منطقه دارای سابقه تاریخی هستند و در شکل‌گیری خاطره جمعی ساکنان نقش پررنگی دارند. گیاهان بومی یکی از عناصر منظر طبیعی روستا است که در طول تاریخ، توسط ساکنان منطقه برگزیده شده است. این گیاهان همواره در حیاط منازل، در محله‌ها و جای‌جای روستا کاشته شده‌اند و در اثر هم‌زیستی طولانی با اهالی روستا به جزئی از ذهنیت آن‌ها از محل زندگیشان تبدیل شده‌اند. با این حال، با مشاهدات میدانی و محلی صورت‌گرفته توسط نگارندگان از تعدادی از روستاهای شهرستان کوهدشت استان لرستان، روشن شد که در سال‌های اخیر، بیش‌ترین



تصویر ۵. آسیب بافت ارگانیک روستا به‌واسطه مداخلات طرح‌های توسعه. روستای پای‌آستان. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۲.

اجتماعی ساده و صمیمی ساکنان را از آسیب‌ها محافظت کرد تا زمینه‌های لمس، حس و تجربه این زندگی روستایی برای گردشگر فراهم شود.

زندگی اجتماعی، به معنی حضور، تعامل و فعالیت اهالی روستاها از زن و مرد، پیر و جوان و کودک به‌صورت سیال و جاری در ظرف‌های مکانی مختلف روستا است. به‌صورت سنتی، در بسیاری از روستاها، بافت و کالبد روستایی به‌صورت ارگانیک و براساس نیازهای کارکردی، رفتار و نوع تعاملات اجتماعی مردم شکل می‌گرفته است که این مسئله شاهدی بر درک درست ساکنین آن‌ها از ویژگی‌های سرزمینی خود و توسعه مکان‌مند آن‌ها در طول تاریخ بوده است. با این حال، در بسیاری از روستاهای کشور، به‌ویژه روستاهای مورد بررسی این پژوهش در استان لرستان، به‌دلیل درک نادرست مسئولان و سیاست‌های غلط اعمال‌شده به‌واسطه طرح‌های توسعه موجود، زندگی اجتماعی تضعیف و کم‌رنگ شده است. به همین دلیل است که بررسی میدانی تعدادی از روستاهای



تصویر ۶. نشانه‌هایی از حضور، تعامل و زندگی اجتماعی اهالی روستا، در بخش‌هایی که طرح‌های توسعه کم‌تر به بافت و منظر روستا آسیب زده و و معابر ارگانیک مانده است. روستای خسروآباد. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۲.

### - چشمه و مسیر حرکت آب

چشمه‌ها نیز همانند گیاهان بومی یکی از عناصر طبیعی تشکیل‌دهنده منظر روستا هستند. در خاطره جمعی و ذهنیت ساکنان روستا، عموماً آب و به‌ویژه چشمه، عنصری حیات‌بخش است که زندگی، کشاورزی و دامداری آن‌ها همواره به آن وابسته بوده است. لذا این عناصر از اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری تجربه و شناخت گردشگران از منظر روستا و فهم عمیق آن‌ها از زندگی ساکنان و طبیعت روستا برخوردارند. با این همه، در روستای پای‌آستان مشاهده می‌شود که در طرح‌های توسعه اجرا شده، اهمیت این عنصر طبیعی، به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های مکانی، مورد غفلت واقع شده و در راستای احیا، حفاظت، تقویت و در معرض دید قرار دادن منظر چشمه و مسیر حرکت آن در بستر روستا، نه‌تنها اقدامی صورت نگرفته، بلکه آب این چشمه و مسیر حرکت ارگانیک آن در بخش‌های زیادی، به دور از مسیر اصلی قرار گرفته و از دید مخاطب به آن‌ها پنهان و کور شده است (تصویر ۹).

### جمع‌بندی

چنان‌چه بررسی پژوهش‌های پیشین و طرح‌های روستایی موجود نشان می‌دهد، تاکنون غالب نگاه‌ها به مسائل صرفاً کالبدی بوده و بخش عمده‌ای از آسیب‌های وارده به منظر روستا ناشی از مداخلات صورت‌گرفته در اثر سیاست‌های توسعه‌ای اتخاذشده توسط مدیران مرکزنشینی بوده است که درک صحیحی از ظرفیت‌های مکانی هر روستا نداشته‌اند. لذا طرح‌های توسعه با نادیده‌انگاشتن موجودیت‌های منحصربه‌فرد و هویت‌مند هر روستا، به شکل فزاینده‌ای در راستای شبیه‌سازی روستا با شهر گام برداشته‌اند. از طرفی در ادبیات نظری موجود در حوزه توسعه، به‌ویژه توسعه گردشگری روستایی، خلأ رویکردی هستی‌شناسانه جهت خوانش منظر روستا، خودنمایی می‌کند. بررسی‌ها و مشاهدات انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که در صورت پرداختن به مقوله گردشگری با دیدی معرفت‌شناسانه، می‌توان بخش عمده‌ای از ظرفیت‌های مکانی روستایی را مورد بازشناسی و حفاظت قرار داد. جهت دستیابی به این مهم، راهبردهای عملیاتی گوناگونی می‌توان اتخاذ کرد که از جمله می‌توان به مواردی که در ادامه آورده شده اشاره کرد:

- ۱- خوانش، حفظ و تقویت نشانه‌های اکولوژیکی و طبیعی روستا که مختص جغرافیای خاص آن است.
- ۲- شناسایی و باززنده‌سازی کیفیت‌های مکانی و فضایی مشوق تعاملات اجتماعی به‌جای پیاده‌سازی نسخه‌های یکسان برای ایجاد امکان گردشگری مبتنی بر تجربه فرهنگی برای همه مکان‌ها.



تصویر ۷. نابودی حیات تعاملی در فضای روستایی و جایگزینی فضای تعامل اهالی با جای پارک ماشین و مصالح ساختمانی به‌واسطه مداخلات ناآگاهانه، ندیدن فضاهای تعاملی، میداین جمعی و شبیه‌سازی روستا به شهر، روستای درب‌گنبد. عکس: میمنت پرسیه، ۱۴۰۲.

تمرکز طرح‌های توسعه روی اقدامات عمرانی چون جاده‌سازی، اجرای سنگ‌فرش پیاده‌روها و کانال‌کشی بوده است. درحالی‌که در توسعه این روستاها از نقش حیاتی و مکان‌ساز گیاهان بومی و چشمه‌ها کاملاً غفلت شده است، به‌گونه‌ای که اخیراً گیاهان بومی این منطقه با گیاهان غیربومی و ناهم‌خوان جایگزین شده‌اند و آسیب‌های جدی به زیرساخت‌های طبیعی آن‌ها وارد شده است.

### - پوشش گیاهی بومی و سرزمینی

گونه‌های گیاهی بومی از گذشته‌های دور در منطقه حضور داشته‌اند و جزئی از هویت منظر روستا محسوب می‌شوند. به‌عنوان مثال درخت بلوط یکی از گیاهانی است که سراسر استان لرستان مشاهده می‌شود و نمادی از منظر زاگرس است. منظر طبیعی دامنه کوه‌های اطراف روستای درب‌گنبد دربردارنده گیاهان بومی چون درخت‌های بلوط و شاه‌بلوط است که دارای چشم‌اندازی منحصربه‌فرد است. درحالی‌که ساختار توپوگرافیک روستا می‌توانست زمینه‌ای برای تداوم و نمایش منظر این درختان بلوط، به‌عنوان عنصری هویت‌بخش، در بستر روستا باشد، به‌واسطه درک نادرست از ظرفیت‌های مکانی این روستا، درحال حاضر، پوشش گیاهی غالب روستا را درختانی بی‌ارتباط با هویت منظر روستا چون اکالیپتوس تشکیل می‌دهند که تضادی نامناسب با منظر درختان بلوط در دامنه‌های اطراف ایجاد کرده است (تصویر ۸). چنین مداخلاتی در منظر طبیعی روستا، با خوانشی که اهالی آن، طی سالیان متمادی از روستای خود به‌دست آورده‌اند، هم‌خوانی و هماهنگی ندارد. این مسئله موجب می‌شود، گردشگری که به قصد شناخت ویژگی‌های مکانی منحصربه‌فرد روستای مقصد و به‌دست‌آوردن تجربیاتی متفاوت به آن سفر می‌کند، به معرفتی عمیق و صحیح از هستی و هویت آن دست نیابد.



تصویر ۸. عدم توجه به گیاهان بومی و سرزمینی لرستان هم‌چون بلوط، چنار و انار در طرح‌های توسعه و کاشت گونه‌های نامربوط مثل اکالیپتوس در بافت روستایی و مسیرهای اصلی، روستای درب‌گنبد. عکس: بابک عبدی، ۱۴۰۲.



تصویر ۹. عدم فهم صحیح از اهمیت چشمه و جاری بودن آن در منظر روستا. به حاشیه‌راندن، کورکردن و جدایی مسیر چشمه از مسیر اصلی، روستای پای‌آستان. عکس: ضیا حسین‌زاده، ۱۴۰۲.

### نتیجه‌گیری

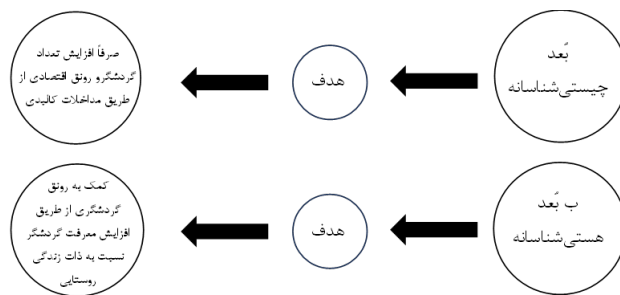
در مطالعات علمی انجام شده، توسعه گردشگری روستایی همواره به‌عنوان موضوعی با اهمیت مورد توجه بوده است. در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه موجود در کشور، عملاً به این موضوع توجهی نشده یا در صورت توجه، به دلیل فهم غلط از این مسئله، اقدامات توسعه‌ای، عموماً شامل پروژه‌های عمرانی هم‌چون جاده‌سازی و کف‌سازی معابر اصلی و فرعی بوده است. چنان‌چه ذکر شد، این پژوهش در تعریف گردشگری روستایی بر وجه هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه آن با تأکید بر ظرفیت‌های مکانی تمرکز دارد، نه صرفاً بُعد کمی جهت افزایش تعداد گردشگر. در واقع منظور از وجه معرفت‌شناسانه، وجهی از گردشگری است که هدف آن دعوت مخاطب به مشاهده، حس و لمس زندگی ساده و صمیمی جاری در روستا، جهت به‌دست‌آوردن تجارب ناب در مواجهه با ذات روستا است. با تکیه بر این تعریف، مطالعه طرح‌های هادی و توسعه روستایی و مشاهده میدانی تعدادی از روستاهای شهرستان کوهدشت استان لرستان، نگارندگان

۳- تقویت و به‌روزرسانی شیوه‌های امرارمعاش سنتی روستا، جهت تقویت ابعاد اقتصادی زندگی روستایی و ایجاد جاذبه گردشگری.  
۴- ایجاد شبکه‌های همکاری محلی میان نهادهای مسئول و ساکنین روستا به‌منظور به اشتراک‌گذاری تجارب و منابع، تقویت ارتباطات، افزایش اثربخشی در توسعه گردشگری، حفاظت از منابع محلی و ظرفیت‌های مکانی.  
به این نحو، فرصت‌های بی‌شماری برای گردشگران روستایی فراهم خواهد آمد تا با ذات زندگی اهالی هر روستا، مواجهه‌ای منحصربه‌فرد را تجربه کنند. این مسئله، علاوه بر فراهم‌آوردن تجربه‌ای لذت‌بخش برای گردشگر، به نحو مؤثری منجر به افزایش شناخت و معرفت او از ویژگی‌های مکانی متفاوت هر روستا خواهد شد (تصویر ۱۰). واضح است که جهت نیل به چنین هدفی، در ابتدا معیارهایی مورد نیاز است تا آسیب‌های وارده به منظر روستاها شناسایی و وضعیت آن‌ها مورد ارزیابی قرار بگیرد. در این راستا، نگارندگان با مشاهدات میدانی و تحلیل‌های انجام‌شده در این پژوهش، شاخص‌هایی جهت محک و ارزیابی وضعیت منظر روستایی ارائه کرده‌اند (تصویر ۱۱).



به این نتیجه رسیدند که غفلت مسئولین امر از اهمیت مؤلفه‌های مکان‌ساز در روستاها که زندگی اجتماعی، ظهور مظاهر فعالیت و پیشه روستاییان و منظر طبیعی روستا، بخش بسیار مهمی از آن را تشکیل می‌دهد، آسیب‌های جدی به منظر این روستاها وارد کرده و از موانع اصلی در جهت توسعه گردشگری روستایی به‌شمار می‌آید. چرا که در روستاهایی که این طرح‌ها به مرحله اجرا رسیده‌اند، نه تنها زندگی اجتماعی در روستا از بین رفته و منظر طبیعی با آسیب جدی مواجه شده، بلکه مظاهر و نمادهای مربوط به شغل و پیشه روستاییان، یعنی نگهداری دام و طیور نیز از منظر روستا نقش بر بسته است.

پرواضح است ارائه راه‌حلی جامع جهت حل این معضل، خارج از توان و حوصله این پژوهش است و وابسته به عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیاری است. با این حال نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رویکردی کل‌نگر و یکپارچه به توسعه گردشگری با اصالت بخشی به معنای ویژه مکان در جغرافیای خاص هر روستا، آسیب‌های ناشی از بخشی‌نگری و جزء‌گرایی را به حداقل می‌رساند. توجه به بُعد معرفت‌شناسانه گردشگری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه روستایی، موجب توجه بیش‌تر به ویژگی‌های مکان‌ساز هر روستا و در نتیجه تقویت گردشگری روستایی، نه از طریق مداخلات کالبدی آسیب‌زننده به هویت، بلکه از طریق استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی و هویتی خود روستا خواهد شد. راهبردهای عملیاتی نیز که در این راستا می‌توان اعمال کرد، شامل حفظ نشانه‌های اکولوژیکی و طبیعی روستا، باززنده‌سازی کیفیت‌های مکانی و فضایی متناسب با ارزش‌های اجتماعی، به‌روزرسانی شیوه‌های امرامعاش روستا و ایجاد شبکه‌های همکاری محلی، جهت بهبود توسعه گردشگری و تقویت ظرفیت‌های مکانی روستا می‌شود.



تصویر ۱۰. تفاوت رویکرد چيستی‌شناسانه و هستی‌شناسانه به مسئله گردشگری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۱. شاخص‌های میزان آسیب‌های وارد شده به منظر روستاها. مأخذ: نگارندگان.

## فهرست منابع

سکونتگاه‌های انسانی، ۱۴ (۲)، ۳۰۵-۳۱۹. [http://jshsp.iaurasht.ac.ir/arti-cle\\_667808\\_en.html](http://jshsp.iaurasht.ac.ir/arti-cle_667808_en.html)

• رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). تحلیل تفاوت‌های مکانی در توسعه نواحی روستایی استان زنجان. نشریه علوم جغرافیایی، ۳ (۳)، ۵۹-۸۲. <http://jgs.khu.ac.ir/arti-cle-1-513-fa.html>

• سامه، رضا. (۱۳۸۸). گردشگری و قابلیت‌های روستا. منظر، ۱ (۵)، ۷۸-۷۶.

• سامه، رضا و سامه، آسیه. (۱۳۹۳). بن‌مایه‌های محیطی و منظرین: انگیزه توسعه گردشگری روستایی. منظر، ۶ (۲۹)، ۴۵-۴۰.

• شهرابی فراهانی، مهدیه. (۱۴۰۱). گردشگری و هویت فرهنگی، نگاهی چندسویه. مجله گردشگری فرهنگ، ۳ (۱۰)، ۵۳-۵۴. <https://doi.org/10.22034/toc.2022.366084.1094>

• منصوری، سید امیر. (۱۳۹۳). گردشگری به‌مثابه نظام معرفت. منظر، ۶ (۲۹)، ۲۸-۳۳.

• منصوری، سید امیر. (۱۳۹۹). گردشگری فرهنگ، با تکیه بر تفاوت مفهومی «فرهنگ» و «فرهنگی». مجله گردشگری فرهنگ، ۱ (۱)، ۸-۵. <https://doi.org/10.22034/toc.2022.366084.1094>

• ابرقویی فرد، حمیده و صابونچی، پرچهر. (۱۳۹۹). منظر هم‌چون طبیعت نمادین. منظر، ۱۲ (۵۲)، ۲۸-۳۷. <https://doi.org/10.22034/MAN-37-28>

ZAR.2020.226462.2059

• باباخانی، ملیحه و سامه، رضا. (۱۴۰۱). اثرگذاری منظر روستایی بر کیفیت محیطی و توسعه گردشگری روستایی (مطالعه موردی: دهستان برغان، شهرستان ساوجبلاغ). نشریه پایداری، توسعه و محیط‌زیست، ۴ (۱)، ۵۳-۶۷.

• بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی مفاهیم «مکان» و «خارج از مکان» در توسعه اجتماعی شهر از دیدگاه روان‌شناسی محیطی. مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸ (۳۲)، ۱۳۹-۱۷۰. <https://doi.org/10.22054/QJSD.2017.8428>

• بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۹). غایت «گردشگری با رویکرد فرهنگی» ایران. مجله گردشگری فرهنگ، ۱ (۱)، ۹-۱۶. <https://doi.org/10.22034/JCT.2020.110004>

• حبیبی کوشکوهی، حسن؛ منشی‌زاده، رحمت‌اله و رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۸). تبیین نقش گردشگری در کارآفرینی نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان املش و رودسر). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی-

- Liu, Ch., Dou, X., Li, J. & Cai, L. A. (2020). Analyzing government role in rural tourism development: An empirical investigation from China. *Journal of Rural Studies*, 79, 177-188. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2020.08.046>
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Zielinski, S., Yoonjeong Jeong, S. K. & Celene, B. M. (2020). "Why Community-Based Tourism and Rural Tourism in Developing and Developed Nations are Treated Differently? A Review". *Sustainability*, 12 (15), 5938. <https://doi.org/10.3390/su12155938>

- org/10.22034/JCT.2020.110018
- منصوری، سید امیر. (۱۴۰۲). نسبت توسعه با مفهوم سرزمینی. منظر، ۱۵ (۶۴)، <https://doi.org/10.22034/MANZAR.2023.180070.3-3>
  - هاتفی شجاع، سمیه؛ اعتصام، ایرج و اسلامی، سید غلامرضا. (۱۳۹۵). بازنمایی هویت مکانی روستاهای حومه‌ای در طرح‌های توسعه روستایی. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۷ (۴)، ۷۱۸-۷۳۱. <https://dx.doi.org/10.21859/jjr-07049>
  - همتی، مرتضی. (۱۳۹۹). تبیین الگوی شناختی گردشگری روستایی با رویکرد منظر. *مجله گردشگری فرهنگ*، ۱ (۲)، ۳۹-۴۶. <https://doi.org/10.22034/toc.2020.243927.1019>

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



#### نحوه ارجاع به این مقاله

حسین‌زاده، ضیا؛ عبدی، بابک و میمنت، پرسه. (۱۴۰۳). تأثیر عوامل مکانی بر توسعه گردشگری روستایی (مطالعه موردی روستاهای سرزمین لرستان). *گردشگری فرهنگ*، ۵(۱۶)، ۳۶-۴۵.

DOI: 10.22034/TOC.2024.454041.1155

URL: [https://www.toc-sj.com/article\\_195097.html](https://www.toc-sj.com/article_195097.html)

